

باسمه تعالی

## چیستی سوره<sup>۱</sup>

واژه سوره، دارای تعریف لغوی و اصطلاحی است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

### ۱. تعریف لغوی سوره

لغت شناسان سوره را از ریشه "سور" دانسته و آن را به معنی به سوی بلندی رفتن<sup>۲</sup>، هیجان همراه با طلب رفعت و بلندی<sup>۳</sup> و یا خیزش به سوی بلندی<sup>۴</sup> می‌دانند. به همین مناسبت است که "سور" بر دیوار عظیم و سد بلندی که مانع از مخالفین و متجاوزین اطلاق می‌شود زیرا دیوار و سد مظهر بلندی و ارتفاع است<sup>۵</sup> و چنانکه از آیه شریفه ۱۳ سوره مبارکه حدید بدست می‌آید؛ «سور» نه به معنی دیوار طولی؛ بلکه به معنی دیوار احاطه کننده است؛<sup>۶</sup> لذا به احاطه کننده شهر<sup>۷</sup> و یا به بیان کلی تر به مطلق احاطه کننده، گفته می‌شود<sup>۸</sup> و به همین مناسبت به دستبند و انگویی که پیرامون مچ دست را فرا می‌گیرد، «سوار» گفته می‌شود<sup>۹</sup>. البته باید توجه داشت که اگر بخواهیم فقط به یک "سور" اشاره کنیم، به آن «سوره» می‌گوییم.<sup>۱۰</sup>

---

۱. مطالب این مقاله برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد جناب آقای محمد برزگر است که در رشته علوم قرآن و در دانشکده علوم قرآن تهران در سال ۱۳۹۰ دفاع شده است.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرّم، پیشین، ۳۸۸/۴

۳. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ه.ش، ۲۵۸/۵

۴. راغب، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ه.ق، ۴۳۳

۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ه.ش، ۳۵۸/۱۴؛ مصطفوی، حسن، پیشین، ۲۵۸/۵

۶. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم، انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۵ه.ش، ۱۴۵/۲۸

۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ه.ق، ۲۸۹/۷

۸. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق سید احمد حسینی، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ه.ش، ۳۳۸/۳

۹. مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، چاپ اول، ۱۴۱۹ه.ق، ۲۵۳/۸

۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرّم، پیشین، ۳۸۷/۴

۱۱. البته احتمال دیگری هم برای ریشه این لغت ذکر شده، که آن را از ریشه «سور» به معنای "پاره و باقی مانده چیزی" می‌داند. در این صورت، سوره در اصل سوره بوده (به معنای پاره‌ای از قرآن) و به منظور سهولت در تلفظ، همزه به واو بدل شده است، و تمام قاریان متفقاً آن را با واو خوانده‌اند. (ن.ک: ابن منظور، ۳۸۶/۴)

## ۲. تعریف اصطلاحی «سوره» در قرآن و روایات

خداوند سبحان، در ۹ آیه از قرآن کریم از حقیقتی به نام سوره یاد می کند. با نگاهی گذرا به این آیات شریفه می توان کمی بیشتر با حقیقت سوره در قرآن آشنا شد.

سه آیه از این آیات مربوط به آیات تحدی بوده و منکران قرآن را با همه امکاناتشان به آوردن یک یا ده سوره به مانند سوره های قرآن دعوت می کند.

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»<sup>۱</sup>  
«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»<sup>۲</sup>  
«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنِ اسْتَعْظَمْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»<sup>۳</sup>

این آیات نشان می دهد که سوره کلامی با ابتدا و انتهای مشخص و دارای غرض مشخص است که اگر چنین نبود، تحدی به آیات قرآنی تمام نمی شد، زیرا خصم می توانست از آیات تعداد بسیاری را انتخاب کند و یک یک آنها را در مقابل کلمات شیرین شعرای عرب قرار داده به مقایسه بنشیند، مثلاً آیات

«وَالضُّحَىٰ»<sup>۴</sup>، «فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ»<sup>۵</sup>، «مُدْهَامَّتَانِ»<sup>۶</sup>، «الْحَاقَّةُ»<sup>۷</sup>، «الرَّحْمَنُ»<sup>۸</sup>، «إِلَهُ النَّاسِ»<sup>۹</sup>، «وَ  
«وَ حَسَفَ الْقَمَرُ»<sup>۱۰</sup>، «سَنَدُعُ الزَّبَانِيَةَ»<sup>۱۱</sup>،

۱. بقره/۲۳؛ ترجمه: و اگر در آسمانی بودن این قرآن که بر بنده خود محمد فرو فرستاده ایم تردید دارید و در این ادعا راست می گوئید، سوره ای مانند آن بیاورید و گواهانتان را - جز خدا - فراخوانید تا بر همسانی آنچه در ردیف قرآن برمی شمردید گواهی دهند.
۲. یونس/۳۸؛ ترجمه: آیا می گویند: محمد خود آن را ساخته و به خدا نسبت داده است؟ بگو: اگر در این ادعا راست می گوئید، شما هم باید سوره ای مانند آن بیاورید و جز خدا هر که را می توانید به یاری فراخوانید.
۳. هود/۱۳؛ ترجمه: یا می گویند: محمد خود قرآن را بافته و آن را کلام خدا می نامد؟ اگر این ادعا را دارند، بگو: چنانچه راست می گوئید، ده سوره ساختگی مانند آن بیاورید و جز خدا هر که را می توانید به یاری فراخوانید.
۴. ضحیٰ/۱؛ ترجمه: سوگند به آن دم که آفتاب بگسترد.
۵. واقعه/۷۸؛ ترجمه: در لوحی که از هر گونه تغیر و دگر گونی مصون است.
۶. الرحمن/۶۴؛ ترجمه: چنان سرسبز و با طراوت که از شدت سبزی سیه گون می نماید.
۷. الحاقه/۱؛ ترجمه: آن حقیقت ثابت!
۸. الرحمن/۱؛ ترجمه: خدای رحمان.
۹. ناس/۳؛ ترجمه: معبود به حق مردم.
۱۰. قیامت/۸؛ ترجمه: و ماه بی نور گردد.

و کلماتی از این قبیل را گرفته بدون اینکه آنها را به هم ربط دهد، تا کلامی سر و ته دار و دارای غرض شود در مقابل اشعار عرب قرار داده بگوید: اشعار عرب خیلی شیواتر و شیرین تر از این کلمات بی معنا است. پس آنچه که خصم در آیات تحدی مکلف بدان شده، این است که کلامی بیاورد که شبیه قرآن باشد، یعنی علاوه بر بلاغت و معجزه آسایی که در عبارات و الفاظ آن هست، مشتمل بر بیان پاره‌ای از مقاصد الهی و اغراضی باشد که خدای تعالی آنها را اغراض و اوصاف کلام خود شمرده؛<sup>۲</sup> به مانند

۱- دستور به ایمان و جهاد

«وَإِذَا أَنْزَلْتُ سُورَةً أَنْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَأْذَنَكَ أُولُوا الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ»<sup>۳</sup>

۲- افشای درون ناپاک منافقان:

«يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزُّوْا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ»<sup>۴</sup>

۳- ازدیاد ایمان

«وَإِذَا مَا أَنْزَلْتُ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ»<sup>۵</sup>

که در آیاتی که گذشت به عنوان اغراض سوره های قرآن به آنها اشاره شده است.

اما از آیات مهمی که می توان در شناخت دقیقتر سوره ها از آن بهره گرفت؛ آیه اول سوره مبارکه نور است.

---

۱. علق/ ۱۸؛ ترجمه: ما نیز به زودی گماشتگان بر آتش [دوزخ] را فرا می خوانیم.

۲. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ۱۰/۱۶۷

۳. توبه/۸۶؛ و چون سوره ای از قرآن نازل شود و در آن به مردم فرمان داده شود که به خدا ایمان بیاورید و همراه پیامبرش جهاد کنید

، توانگرانشان از تو رخصت می طلبند و می گویند: ما را واگذار که با نشستگان باشیم.

۴. توبه/۶۴؛ منافقان از این بیم دارند که سوره ای از قرآن بر ضد آنان نازل شود و آنان را از آنچه در دل دارند (کفر و سوء قصد به تو)

خبر دهد. به آنان بگو: همچنان در نفاق خود بمانید و با این شیوه مؤمنان را به مسخره بگیرید، قطعاً خداوند آنچه را که از فاش شدنش بیم دارید آشکار خواهد کرد.

۵. توبه/۱۲۴؛ و چون سوره ای از قرآن نازل شود، برخی از کسانی که دلشان آلوده به نفاق است و قرآن در آن تأثیر ندارد می گویند

: این سوره بر ایمان کدام یک از شما افزود؟ اگر چنین تأثیری ندارد در حقیقت آن تردید است. ولی منافقان باید بدانند آنان که ایمان آورده اند و شک و نفاق در دلشان راه نیافته است هر سوره ای که نازل شود بر ایمان آنان می افزاید و از آن شادمان می شوند.

این آیه شریفه، سوره مبارکه نور را «سوره» نام نهاده و به نزول آن اشاره کرده «سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا»<sup>۱</sup> و آنگاه این سوره را دارای آیاتی بینات معرفی و با قید «فِيهَا» (در درون سوره) این انزال را شامل آیاتی روشن می داند «أَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ». با دقت در آنچه از این آیه بیان شد، روشن می شود که سوره در تعریف قرآن، شامل تعدادی از آیات الهی است که به مانند سوره نور میان دو بسمله قرار دارند. احادیث و اخبار متعددی که راه شناخت ابتدا و انتهای سوره های قرآن را در زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نزول آیه شریفه بسمله می داند<sup>۲</sup>، نیز این معنا از سوره را تأیید می کنند. لذا چنین می توان گفت که سوره در لسان قرآن و روایات همان ۱۱۴ قطعه ای از قرآن است که شامل تعدادی از آیات بوده و هر کدام با آیه شریفه «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز شده و با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» سوره بعدی به پایان می رسد.

این معنا از سوره که با مدد خود قرآن و روایات بدست آمد همان ۱۱۴ سوره ای است که از روز نخست و به همین صورت فعلی، نه کم و نه زیاد، نازل شده و از طریق پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با نقل متواتر صحابه و تابعین به دست ما رسیده است؛<sup>۳</sup> و از همان زمان، اسامی خاصی برای هر کدام از این سوره ها متداول بوده<sup>۴</sup> به طوری که حتی عده ای این اسامی را توقیفی می دانند.<sup>۵</sup> طبرسی در مجمع روایتی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند که ایشان به صراحت تعداد سوره های قرآن ۱۱۴ عدد معرفی کرده و یک به یک آنها را نام می برند.<sup>۶</sup> از سوی دیگر احادیث فراوان از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ که در آن از همین قطعات با لفظ سوره و حتی با نام مشخص نام برده است و

---

۱. تمام مفسرین یا به صراحت و یا با عدم تصریح به قول دیگر پذیرفته اند که کلمه «سوره» در این آیه به مجموعه آیات این سوره از ابتدا تا انتها بر می گردد: ر.ک: نرم افزار جامع التفاسیر، ذیل آیه ۱ از سوره نور

۲. به عنوان مثال در منابع معتبر شیعی چنین آمده است: قال أبو عبد الله عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا كَانَ يُعْرَفُ أَنْفِضَاءَ السُّورَةِ بِنُزُولِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ائْتِدَاءً لِلْآخِرَى این روایات در منابع متعدد فریقین نقل شده و در بخش دوم فصل بعد (ص ۸۵-۸۸) به تفصیل به این روایات خواهیم پرداخت.

۳. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، چاپ نهم، ۱۳۸۷ ه.ش، ۱۰۴

۴. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، پیشین، ۱۹۳/۱-۲۰۵

۵. الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، پیشین، ۱/۲۷۰؛ معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، پیشین، ۹۹؛ البته نویسنده این تحقیق قائل قائل به توقیفی بودن نام سوره ها نیست.

۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ه.ش، ۶۱۴/۱-۶۱۵

فضیلت‌هایی را برای آنها قائل شده اند<sup>۱</sup> نیز مؤید این مطلب است که تلقی امت از صدر اسلام تاکنون و به خصوص پیامبر اکرم ﷺ و ائمه عصمت و طهارت علیهم‌السلام به عنوان معلمان و مفسران حقیقی قرآن از سوره های قرآن همین ۱۱۴ سوره ای بوده که در قرآن وجود داشته و دارد.

### ۳. ارتباط ما بین معنای لغوی و اصطلاحی سوره

اصطلاح سوره به معنای مجموعه ای از آیات الهی که آغاز و انجامش مشخص باشد و با یک بسم الله شروع شده و به بسم الله بعدی که آغاز سوره بعدی است ختم شود<sup>۲</sup> با معنای لغوی که از سوره ذکر شد تناسبی آشکار دارد؛ بدین بیان که همانطور که «سور البلد» بر همه اجزاء شهر احاطه دارد، سوره قرآن نیز بر آیات درونش و آن غرضی که دنبال می کند، احاطه دارد<sup>۳</sup> البته برخی تناسب آن را با اصل معنای واژه «سور» که رفعت و بلندی است دانسته لذا چنین بیان داشته اند که: سوره قرآن چون سخن خداست، دارای شرف و منزلت، و پایگاه بلند و رفیع است.<sup>۴</sup>

البته اگر سوره را از ریشه «سور» به معنای "پاره و باقی مانده چیزی" بگیریم تناسب بین معنای اصطلاحی و لغوی بدین قرار است که هر سوره قرآن، قطعه‌ای از تمام قرآن است.<sup>۵</sup>

### ۴. بیان دیدگاهی دیگر در تعریف سوره

برخی از محققان با توجه به معنای لغوی سوره، مصداق سوره را علاوه بر ۱۱۴ سوره قرآن، برخی اجزاء مرتبط و پیوسته داخل سوره ها نیز دانسته اند. مؤلف کتاب التحقیق فی کلمات القرآن الکریم «سوره» را به معنی دیوار و سدی بین مؤمنان و کافران دانسته که مؤمنان را از وساوس و تعرضات آنان حفظ کرده و در واقع مظهر هیجان حق در قبال معاندان است. ایشان آنگاه از این بحث نتیجه می گیرد که سوره به معنی هر طائفه ای از آیات به شمار می رود که دارای این صفت است؛ هر چند که ۱۱۴ سوره مشهور قرآن مصداق کاملی برای این معنا به حساب می

۱. ن. ک: نوری، میرزا حسین، پیشین، ۳۲۷/۴-۳۷۱؛ المجلسی، محمد باقر، ۲۲۳/۸۹-۳۶۹

۲. جوادی آملی، عبدالله، نزاهت قرآن از تحریف، قم، نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۳. ش، ۱۵۹

۳. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ۷۸/۱۵

۴. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الإحياء التراث العربی، بی تا، ۴۰۴/۷

۵. راغب، حسین بن محمد، پیشین، ۴۳۴

آیند<sup>۱</sup>.

عبدالعلی بازرگان نیز در کتاب نظم قرآن خود معنای لغوی سوره را دیوار و حصار محدود کننده می داند  
آنگاه چنین بیان می دارد که لذا مجموعه مطالبی که پیرامون یک موضوع بوده و حقیقتی را از زاویه به خصوصی  
بررسی می کند در اصطلاح قرآن، سوره نامیده می شود. ایشان آنگاه چنین نتیجه می گیرد که هر چند قرآن ۱۱۴  
سوره اصلی دارد اما قسمت‌های فرعی هم موضوع و هم آهنگ داخل سوره را نیز می توان به تعبیری سوره نامید.<sup>۲</sup>  
صاحب کتاب «در آمدی بر تاریخ قرآن» نیز معتقد است سوره و اصطلاح آن در عصر پیامبر ﷺ یک دوره  
تحول معنا را طی کرده است. به توضیح دیگر سوره در لغت به معنی قطعه‌ای از یک شیء است، و سوره قرآنی - به  
ویژه در مکه - یعنی یک فراز منسجم از قرآن اعم از اینکه با بسمله شروع شود یا نشود. ایشان معتقد است: در آیاتی  
مثل «فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ»<sup>۳</sup> مراد از سوره همین مفهوم است که در این صورت، سوره‌ای مانند «البقره» خود نزدیک به  
سی سوره را در بردارد. وی دلیل قول خود را چنین بیان می دارد که: قرآن در مکه اصلاً طبیعت کتابی نداشته، بلکه  
بسیار پراکنده بوده است. در مدینه هم تا سالهای پایانی حیات پیامبر ﷺ، سوره و در نتیجه قرآن به همین وضع بوده  
است. ولی از این زمان به بعد در معنای امروزی آن که محصور بین دو بسمله است به کار رفته است. در واقع از  
دیدگاه این نویسنده در دوران مکه، سوره در معنی لغوی خود و به قطعه‌ای از قرآن اطلاق می شده است اما در  
دوران مدینه و در پرتو جمع سوره‌ها توسط پیامبر اکرم ﷺ تدریجاً اصطلاح سوره به مقدار آیاتی از قرآن که بین  
دو «بسمله» قرار داشت، اطلاق شد.<sup>۴</sup>

---

۱. مصطفوی، حسن، پیشین، ۲۵۸/۵

۲. بازرگان، عبدالعلی، نظم قرآن، تهران، انتشارات قلم، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ه.ش، ۵/۱

۳. هود/۱۳؛ ترجمه: یا می گویند: محمد خود قرآن را بافته و آن را کلام خدا می نامد؟ اگر این ادعا را دارند، بگو: چنانچه راست  
می گویند، ده سوره ساختگی مانند آن بیاورید و جز خدا هر که را می توانید به یاری فرا خوانید.

۴. معارف، مجید، در آمدی بر تاریخ قرآن، تهران، انتشارات نبأ، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه.ش، ن.ک: ۱۳۶ - ۱۴۱؛ شایان ذکر است که جناب  
آقای دکتر معارف، استاد مشاور اینجانب در این پایان نامه بودند اما علیرغم اعتقاد خاص ایشان در تعریف سوره و البته با کمال احترام،  
نظریه پایان نامه همان تعریف رایج از سوره برگزیده شده است. که این نظر مطابق با نظر استاد راهنمای رساله نیز بوده است.

## ۵. نقد دیدگاه

چنان که واژگان و چینش واژگان یک کتاب را باید خود نویسنده کتاب مشخص کند، همچنین لازم است بخش‌ها، فصلها و مقاطع مختلف آن کتاب را نیز نویسنده مشخص کند؛ لذا هیچ نویسنده عاقلی اینگونه نیست که کتاب خود را بدون مشخص کردن قسمتهای مختلف آن اعم از بخش، فصل و... به جامعه انسانی عرضه کرده و قسمت بندی کتاب خود را به عهده خوانندگان بگذارد! علت عمده این مطلب این است که قسمت بندی کلام، تابع اراده و هدف نویسنده بوده و در رساندن پیام یک کتاب بسیار مؤثر خواهد بود؛ از این رو اگر هر خواننده با ذوق و سلیقه خود کتاب یک نویسنده را تقسیم بندی کند، دیگر نمی توان همه آن کتابها با تقسیمات متفاوت را به نویسنده اصلی منتسب کرد.

بنا به فرض، در یک حالت ممکن است که تقسیماتی را که کسی غیر از نویسنده کتاب انجام داده، باز به نویسنده ارجاع داد و آن در صورتی است که تمام این تقسیم بندی ها مستند به متن کتاب و ظواهر موجود در آن متن بوده و بر اساس دلایل و مستندات لفظی، ادبی، محتوایی، موضوعی و... غیره صورت گیرد؛ زیرا در اینصورت، در واقع کاری که مقسم انجام داده؛ فقط کشف و اظهار تقسیمی است که نویسنده به طور غیر آشکار، انجام داده است.

فرض پیش گفته را با اندکی تسامح می توان برای کتاب بشری در نظر گرفت اما به نظر می آید که این فرض برای کتاب خدا تقریباً محال باشد؛ زیرا بر فرض که بشر بتواند کلام بشر دیگری را به طور کامل بفهمد اما او را یارای فهم جامع و کامل تمام جوانب کلام خدا نیست تا بتواند آنگونه که متکلم این کلام اراده کرده، تقسیمات آن را بر اساس شواهد موجود در متن بدست آورد.

چنان که گفتیم خداوند متعال در کتاب خود، قطعه های کلام خود را «سوره» نامیده و آنها را به طور کامل به خود منتسب کرده و همگان را در آوردن مثل آن به هم‌آوردی دعوت کرده است<sup>۱</sup> حال چگونه می توان تصور کرد که خداوندی که همه کار او سراسر حکمت است ابناء بشر را به آوردن کلامی دعوت کند که حدود و ثغور آن

---

۱. بقره/۲۳؛ یونس/۳۸

مبهم و مجهول است؟! و یا بنا بر فرض که خداوند متعال خود، حدود سوره ها را مشخص نکرده باشد و تعیین آن را به انسانها واگذار کرده باشد، آیا مخلوق را یارای آن است که، کلام سراسر اعجاز خالق هستی را کامل فهمیده و سوره های این کتاب الهی را خویش مشخص کند؟!

وقتی خداوند، جامعه بشری را به آوردن سوره های قرآن دعوت می کند پس باید سوره ها همگی مشخص، مضبوط و جمع بندی شده بوده و حدود و ثغور و آغاز و انجام آن مشخص بوده باشد<sup>۱</sup> اما اگر حتی خلاف این مطلب ممکن باشد؛ باز جواب سؤال دوم با توجه به مقدمات پیش گفته این مطلب، نیز منفی خواهد بود؛ در این صورت، بار دیگر نیز بدین نتیجه می رسیم که اولاً هر چند ممکن است جن و انس با کمک یکدیگر حدسیاتی پیرامون تعیین سوره های قرآن داشته اند اما کسی جز متکلم این کلام نمی تواند به طور قطع سوره های آن را مشخص کند و ثانیاً این کار حتماً باید توسط خدای متعالی، صورت گرفته باشد؛ زیرا دعوت به آوردن چیزی که خود مجهول است؛ از سوی یک عاقل حکیم، محال است.

مطالب پیش گفته مخاطب را به این نتیجه می رساند که امر تعیین حدود و ثغور سوره های قرآن به طور کامل به علم نامتناهی الهی متکی است اما برای آنکه مطلب کمی بیشتر روشن شود می توان به این نکته اشاره کرد که وحی الهی با مرز مشخص و معنا دار «بسمله» سوره های خود را مشخص کرد<sup>۲</sup> و این مطلب بنا بر احادیث متعدد برای همگان در زمان نزول وحی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا مؤمنان مشخص بوده<sup>۳</sup> است. علاوه بر اینها، در بخش تعریف سوره با ذکر منابع متعدد بیان شد که احادیث فراوان از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام همین ۱۱۴ قطعه مشخص به مرز «بسمله» را با نام یا نامهای خاص به عنوان سوره ذکر کرده و فضائلی را برای آنها بر شمرده اند. و در نهایت

---

۱. جواد آملی، عبدالله، نزاهت قرآن از تحریف، پیشین، ۱۵۹

۲. البته در مورد سوره مبارکه توبه استثناء وجود دارد زیرا این سوره با «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» شروع نشده است که بنا بر مطالب پیش گفته و نظریه توقیفی بودن جمع قرآن که در فصل اول بخش دوم اثبات آن خواهد آمد قطعاً در این استثناء نیز دست قدرت و علم الهی مرز بندی سوره مبارکه توبه را از دیگر سوره ها مشخص کرده است.

۳. این احادیث چنانکه قبلاً گفته شد به تفصیل در بخش دوم فصل دوم خواهد آمد.



اینکه، تلقی امت اسلام بالاجماع از صدر اسلام تا کنون از سوره‌ها همین ۱۱۴ سوره قرآن کنونی بوده<sup>۱</sup> به طوری که به عنوان مثال همه تفاسیری که از همان سده‌های اول تا کنون، چه بر اساس چینش مصحف کنونی و چه بر اساس ترتیب نزول نوشته شده؛ همه بالاجماع سوره‌های قرآن را همین ۱۱۴ سوره شناخته و بر این اساس تفسیر کرده‌اند. در جمع بندی و نتیجه‌گیری از تمام مطالب پیش گفته، می‌توان چنین بیان کرد که سوره هر چند بر گرفته از ریشه «سور» و یا «سور» بوده و مفهوم مشخصی را دارد اما استعمال آن در قرآن و بالتبع روایات به معنای خاصی بوده و مصادیق روشنی دارد که این مصادیق توسط خود قرآن و با مرز روشن «بسمله» و با تأیید روایات مشخص شده است. در واقع می‌توان گفت که لفظ "سوره" به دلیل کثرت استعمال در قرآن و روایات در معنای خاصی که مطرح شد؛ تبدیل به یک حقیقت قرآنی<sup>۲</sup> و یک اصطلاح اسلامی قرآنی<sup>۱</sup> شده است؛ به عبارت دیگر و به اصطلاح

---

۱. الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، الزرکشی، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، چاپ اول، ۱۳۷۶ ه. ق، ۳۴۹/۱، خمینی، سید مصطفی، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ ه. ق، ۴۰۷/۴ - ۴۰۸

۲. محققان در تعریف و توضیح حقیقت قرآنی چنین بیان کرده‌اند: گاه در سخنان یک گوینده و یا گروه خاصی استعمال واژه‌ای در معنا یا موردی خاص به قدری تکرار می‌شود که از آن پس، هرگاه آن واژه گفته شود، همگان از آن واژه، معنا یا مورد خاص را می‌فهمند، به گونه‌ای که اگر معانی دیگر یا مصادیق دیگر مراد باشد، گوینده باید آن را با قرینه بفهماند. در این صورت گفته می‌شود که این واژه در آن معنا یا مورد، حقیقت شده است. آنچه در علم اصول با عنوانهای «حقیقت شرعی» یا «حقیقت متشرعه» از آن یاد شده، از همین باب است. در قرآن کریم نیز ممکن است بعضی از لفظها در اثر کثرت استعمال در معنا یا موردی خاص در آیات قرآن، به صورت حقیقت قرآنی درآمده باشد؛ یعنی به گونه‌ای شده باشد که هرگاه در زبان قرآن بدون قرینه به کار می‌رفته، آن معنا یا مورد خاص را برای مسلمانان تداعی می‌کرده است. با توجه به این نکته (امکان وجود حقیقت قرآنی) مفسر باید در فهم الفاظ قرآن بررسی کند که آیا واژه به کار رفته در آیه مورد نظر، از موارد حقیقت قرآنی است یا خیر، و در صورتی که حقیقت قرآنی بودن آن اثبات شود، اگر بدون هیچ قرینه‌ای در قرآن کریم به کار رفته باشد، آیه را با توجه به معنای حقیقت قرآنی آن تفسیر کند. در این گونه موارد، حمل آن واژه بر معنایی دیگر - حتی اگر معنای حقیقی لغوی آن باشد - طبق اصل عقلانی یاد شده درست نیست.

از جمله واژه‌هایی که ممکن است حقیقت قرآنی باشد، کلمه «صراط» است؛ زیرا این کلمه ۴۵ بار در قرآن کریم به کار رفته و در تمامی این موارد به معنای طریق غیر حسّی است، به جز در آیه شریفه «وَ لَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلٰی اَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّى يُبْصِرُونَ» (یس/۶۶) و آیه شریفه «وَ لَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَ تَصَدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ» (اعراف/۸۶)؛ بنابراین، شاید بتوان گفت: کلمه «صراط» در لغت، حقیقت در طریق حسّی است، ولی در قرآن کریم، به جهت کثرت استعمال این کلمه در «طریق غیر حسّی»، در همین معنا حقیقت شده است و بدون هیچ قرینه‌ای در این معنا ظهور دارد و افاده و استفاده طریق حسّی از آن، نیازمند قرینه است و نیز مانند

منطقیون سوره یک لفظ منقول به شمار آید که در ابتدا چنانکه گفته شد؛ برای دیواری که محتویاتش را احاطه می کند؛ وضع شده بود اما در قرآن و روایات به دلیل تناسب با این معنا، و با وضع ثانوی<sup>۲</sup> لفظ "سوره" برای آیاتی از قرآن وضع شد که پی در پی در کنار یکدیگر قرار می گیرند تا زمانی که کامل شوند و به مقدار مشخصی که خداوند متعال اراده کرده است برسند، آنگاه بین آن و سوره دیگر با آیه شریفه بسمله جدایی صورت گیرد.<sup>۳</sup> به مانند واژه «صلوات» که ابتدا برای دعا وضع شده بود اما در دین اسلام به تناسب آن معنا، برای عمل خاصی که دارای قیام، رکوع، سجود و مثل این ها است، وضع شد و یا واژه «حج» که در وضع اول برای مطلق قصد وضع شده بود سپس در وضع ثانوی برای قصد مکرره با افعال مخصوص و در وقت معین وضع شد.<sup>۴</sup>

البته در پایان باید این مطلب را هم بیان کرد که فرازهای منسجم در دورن هر سوره را می توان، سوره به معنای لغوی آن دانست چه آن را از «سور» و یا از «سور» بدانیم زیرا این فرازها نیز مانند یک حصار کامل بوده و یا قطعه ای از قرآن می باشند. اما سوره در معنای اصطلاحی و قرآنی روایی آن همان ۱۱۴ قطعه معهودند که البته آنها نیز مصداق سوره در معنای لغوی و در واقع مصداق کامل آن معنا نیز می باشند.

همچنین باید توجه داشت که آنچه در این پایان نامه به عنوان تناسب و هماهنگی در درون ۱۱۴ سوره قرآن مطرح است به طریق اولی در سوره به معنای فراز منسجم، جاری خواهد بود.

---

کلمه «قلب» و «فؤاد» که در قرآن در مورد قلب صنوبری به کار نرفته و مقصود از آن، مرکز احساسات و عواطف و ادراکات انسان است. (رجبی، محمود، پیشین، ۶۵-۶۶)

۱. عسگری، سید مرتضی، القرآن الکریم و روایات المدرستین، قم، انتشارات دانشگاه اصول دین، چاپ سوم، ۱۴۲۴ه.ق، ۲۷۸/۱

۲. خمینی، مصطفی، پیشین، ۴۰۸/۴

۳. النیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، تحقیق شیخ زکریا عمیرات، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۶ه.ق، ۲۹/۱-۳۰

۴. مظفر، محمد رضا، منطق، ترجمه و اضافات: علی شیروانی، قم، انتشارات دارالعلم، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۶ه.ش، ۶۹/۱

## ۶. سوره از دیدگاه مفسران و دانشمندان

دانشمندان علوم قرآنی و مفسران در تعریف سوره بیشتر به تعریف لغوی آن پرداخته اند<sup>۱</sup>، که به چکیده و برگزیده ای از آن در تعریف لغوی سوره در همین تحقیق اشاره کردیم. در مقام مشخص کردن مصداق سوره های قرآن نیز این پژوهشگران مصداقی غیر از همان ۱۱۴ سوره شناخته شده در قرآن معرفی نکرده اند.

برخی از همین محققان نیز به صراحت تعداد سوره های قرآن را ۱۱۴ سوره اعلام کرده<sup>۲</sup> و این را مطلبی اجماعی دانسته اند.<sup>۳</sup> مرحوم آیت الله معرفت در بیانی صریح این مطلب را چنین بیان می دارد: قرآن با ۱۱۴ سوره از روز نخست به همین صورت فعلی، نه کم و نه زیاد، نازل شده و از طریق پیامبر ﷺ با نقل صحابه و تابعین به دست ما رسیده است. این عدد متواتر است، زیاده بر این فاقد اعتبار و کمتر از این فاقد دلیل است.<sup>۴</sup>

در میان مفسران نیز بعضی با همین صراحت سوره های قرآن را همان ۱۱۴ قطعه شناخته شده قرآن می دانند. مرحوم مصطفی خمینی بعد از بیان معنای لغوی سوره، اراده متکلم را علت تشکیل سوره های قرآن دانسته و سوره در قرآن را همان ۱۱۴ قطعه معهود در قرآن می داند که همه مسلمانان بر آن اجماع دارند. ایشان در ادامه، شناخت حدود و ثغور سوره ها را از راهی غیر از بیان متکلم مثلاً با ذوق و نظر انسانها را در واقع پیروی از ظن و تخمین بدون دلیل می داند که ممکن است از اراده متکلم آن بسیار دور باشد. از این رو ایشان توهّم مناقشه در این امر را امری بدون وجه می داند.

صاحب تفسیر التحریر و التنویر نیز سوره را همان ۱۱۴ قطعه معینی از قرآن می داند که ابتدا و انتهای مشخص و

---

۱. به عنوان مثال ن.ک: طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، پیشین، ۴۰۴/۷؛ الزمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض النزیل، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ه.ق، ۹۷/۱؛ طبرسی، فضل بن حسن، ۱۵۶/۱؛ سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، لبنان، دار الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۲۱ه.ق، ۱۹۱/۱؛ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ش، ۳۵۸/۱۴؛ مدرسی، سید محمد تقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، چاپ اول، ۱۴۱۹ه.ق، ۲۵۳/۸

۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، پیشین، ۲۲۸/۱

۳. الزرکشی، بدر الدین محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، تحقیق محمد أبو الفضل إبراهیم، دار احیاء الکتب العربیة، چاپ اول، ۱۳۷۶ه.ق، ۳۴۹/۱

۴. معرفت، محمد هادی، علوم قرآنی، قم، مؤسسه فرهنگی تمهید، چاپ نهم، ۱۳۸۷ه.ش، ۱۱۶

غیر قابل تغییر دارد. این مفسر، حدود سوره ها را امری مشخص در زمان پیامبر اکرم ﷺ حتی نزد مشرکان دانسته و آیات تحدی و اجماع صحابه بر این امر را از زمره دلایل آن می داند.<sup>۱</sup>

علامه طباطبایی، و مفسرانی مانند نهاوندی، میر محمدی و نیشابوری نیز بر همین مطلب تصریح دارند و معتقدند، سوره در قرآن قطعاتی مشخص میان دو بسمله است که اراده الهی طول و مقدار آن را مشخص کرده است.<sup>۲</sup>

در این میان و بنا به تحقیق نویسنده سه تن از محققان معاصر سوره را غیر از آنچه بیان شد؛ می دانند که نظرات این دانشمندان و نقد و بررسی آن، قبل از این مطلب آمد.<sup>۳</sup>

---

۱. مرکز فرهنگ و معارف قرآن، علوم القرآن عند المفسرین، پیشین، ۲۷۰/۱ - ۲۷۱

۲. ن.ک: طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، پیشین، ۲۳۱/۱۳ و ۷۸/۱۵؛ مرکز فرهنگ و معارف قرآن، علوم القرآن عند المفسرین، پیشین، ۲۷۳/۱؛ میر محمدی زرنندی، سید ابوالفضل، تفسیر بلاغ، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، چاپ اول، ۱۳۸۹ ه.ش، ۳۸-۴۲؛ النیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، پیشین، ۲۹/۱-۳۰

۳. برای شناخت بیشتر نظرات مفسران درباره معنای سوره ر.ک: مرکز فرهنگ و معارف قرآن، علوم القرآن عند المفسرین، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ه.ش، ج ۱، فصل اول، بخشهای معنا و عدد سوره های قرآن، ص ۲۶۵-۲۷۴؛ صفاء، محمد، علوم القرآن من خلال مقدمات التفاسیر، بیروت، موسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۲۵ ه.ق، ج ۱، موضوع چهارم، مسأله اول، معنای سوره، ص ۱۳۵-۱۴۳